





دانشگاه ارومیه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

عنوان :

بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی رفتاری با مکانیسم های دفاعی
دربین دانشجویان دانشگاه ارومیه در نیمسال تحصیلی ۹۴-۹۳

استاد راهنما :

دکتر علی عیسی زادگان

استاد مشاور :

دکتر فرزانه میکائیلی منبع

پژوهشگر :

منصور نصیری

۱۳۹۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی رفتاری با مکانیسم های دفاعی بود. نمونه ای شامل ۴۰۰ دانشجو (۲۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) از دانشگاه ارومیه به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب و به پرسشنامه سیستم های بازداری و فعالساز رفتاری کارور و وایت، پرسشنامه سبک های دفاعی اندروز، سینگ و بوند (DSQ) و پرسشنامه سبک های دلبستگی هازان و شیور پاسخ دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی رابطه معنی داری وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن با مکانیسم های رشدیافته همبستگی مثبت و با مکانیسم های رشد نیافته و روان رنجور همبستگی منفی، سبک دلبستگی اجتنابی با مکانیسم رشدنیافته همبستگی مثبت و با رشدیافته و روان رنجور همبستگی منفی و سبک دلبستگی دوسوگرا با مکانیسم روان رنجور همبستگی مثبت و با رشدیافته و رشدنیافته همبستگی منفی دارد. همچنین از میان زیرسیستم های سیستم های مغزی-رفتاری فقط سیستم بازداری رفتاری (BIS) با مکانیسم های دفاعی رابطه معنی دارد. BIS با مکانیسم رشدنیافته و روان رنجور همبستگی مثبت و با مکانیسم رشدیافته همبستگی منفی دارد. در حالیکه BIS با دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا همبستگی مثبت و با دلبستگی ایمن همبستگی منفی دارد، سیستم فعال ساز رفتاری (BAS) با هیچکدام از سبک های دلبستگی همبستگی ندارد.

کلید واژگان : سیستم های مغزی-رفتاری، مکانیسم های دفاعی، سبک های دلبستگی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول – کلیات پژوهش

۲۰	۱-۱-مقدمه
۴۰	۲-۱-بیان مسئله
۹۰	۳-۱-اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۰	۴-۱-اهداف پژوهش
۱۰	۱-۴-۱-هدف اصلی
۱۰	۲-۴-۱-اهداف فرعی
۱۰	۵-۱-فرضیه های پژوهش
۱۱	۶-۱-تعاریف مفهومی
۱۱	۱-۶-۱-مکانیسم های دفاعی
۱۱	۲-۶-۱-سیستم های مغزی – رفتاری
۱۱	۳-۶-۱-دلبستگی
۱۲	۷-۱-تعاریف عملیاتی
۱۲	۱-۷-۱-مکانیسم های دفاعی
۱۲	۲-۷-۱-سیستم های مغزی- رفتاری
۱۲	۳-۷-۱-دلبستگی

فصل دوم – ادبیات پژوهشی

۱۴۰	۱-۲-مقدمه
۱۴۰	۲-۲- مکانیسم های دفاعی
۱۸۰	۱-۲-۲- مکانیسم های دفاعی و سبک های مقابله
۲۱۰	۳-۲-۲- طبقه بندی مکانیسم های دفاعی
۲۱۰	۱-۳-۲-۲- طبقه بندی وایلنت
۲۳۰	۲-۳-۲-۲- طبقه بندی اندروز، سینگ و بوند
۲۴۰	۴-۲-۲- پژوهش های انجام شده در زمینه مکانیسم های دفاعی
۲۵۰	۳-۲- سیستم های مغزی/ رفتاری
۲۵۰	۱-۳-۲- تعریف سیستم های مغزی/ رفتاری
۲۶۰	۲-۳-۲- دیدگاه گری در زمینه ی سیستم فعال سازی رفتاری و سیستم بازداری رفتاری
۲۷۰	۳-۳-۲- تفاوت های فردی در سیستم فعال سازی رفتاری (BAS) و سیستم بازداری رفتاری (BIS)
۲۸۰	۴-۳-۲- تبیین های متفاوت برای خصلت های شخصیتی یکسان
۲۹۰	۵-۳-۲- پژوهش های انجام شده در زمینه سیستم فعال سازی رفتاری (BAS) و سیستم بازداری رفتاری (BIS)
۳۱۰	۶-۳-۲- ارتباط سیستم های مغزی / رفتاری و مکانیسم های دفاعی
۳۱۰	۴-۲- دل بستگی
۳۷۰	۱-۴-۲- پژوهش های انجام شده در زمینه دل بستگی
۳۸۰	۲-۴-۲- ارتباط سبک های دل بستگی و مکانیسم های دفاعی
۳۸۰	۳-۴-۲- ارتباط سبک های دل بستگی و سیستم های مغزی/ رفتاری
۳۹۰	۵-۲- خلاصه و جمع بندی

فصل سوم – روش پژوهش

۴۱	۱-۳-مقدمه
۴۱	۲-۳-روش پژوهش
۴۱	۳-۳-جامعه آماری
۴۱	۴-۳-روش نمونه گیری
۴۱	۵-۳-ابزارهای جمع آوری اطلاعات
۴۱	۱-۵-۳- پرسشنامه دل بستگی هازان و شیور
۴۲	۲-۵-۳- پرسشنامه سیستم های بازاریابی و فعالساز رفتاری کارور و وایت
۴۳	۳-۵-۳- پرسشنامه سبک های دفاعی (DSQ)
۴۴	۶-۳- روش اجرای پژوهش
۴۵	۷-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم - تجزیه و تحلیل داده ها

۴۷	۱-۴-مقدمه
۴۷	۲-۴- یافته های توصیفی
۴۷	۱-۲-۴- ویژگی های جمعیت شناختی
۴۸	۳-۴- تحلیل استنباطی

فصل پنجم - بحث و نتیجه گیری

۶۰	۱-۵-مقدمه
۶۵	۲-۵-محدودیت های پژوهش

منابع

..... منابع فارسی

..... منابع انگلیسی

پیوست

..... پرسشنامه اضطراب حالت - صفت

..... پرسشنامه الگوهای سرشت و منش

..... پرسشنامه سیستم بازداری- فعال سازی رفتاری

فهرست جداول

جدول ۴-۱- توزیع فراوانی و درصد نمونه آماری مورد نظر بر اساس جنسیت. ۴۷۰.....

جدول ۴-۲- جدول توصیفی متغیرها در کل آزمودنی ۴۷۰.....

جدول ۴-۳- ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی ۴۹۰.....

جدول ۴-۴- ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین سیستم های مغزی و رفتاری و مکانیسم های دفاعی ۵۰.....

جدول ۴-۵- ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین سیستم های مغزی و رفتاری و سبک های دلبستگی ۵۱.....

جدول ۴-۶- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ۵۲.....

جدول ۴-۷- تبیین مکانیسم دفاعی رشدیافته براساس متغیرهای سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی و رفتاری ۵۳.....

جدول ۴-۸- تحلیل واریانس مدل پیش بینی مکانیسم دفاعی رشدیافته از روی متغیرهای سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی و رفتاری ۵۴.....

فصل اول:
کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

دانشجویان در جامعه ای زندگی می کنند که مشخصات بارز آن را می توان افزایش جمعیت، شهر نشینی گسترش موسسات و پیچیدگی تکنولوژی در ارتباطات دانست و این موارد بیش از پیش انسان ها و مخصوصاً دانشجویان را به هم نزدیک کرده و باعث شده تا آنها در جهت رقابت با سایرین به تکاپو و تلاش بیشتر وادار شوند. از این طریق افزایش توقعات و انتظارات روز افزون جامعه نیز در جهت رفع این توقعات و حل موارد فوق مثر الثمر نخواهد بود. یکی از مهمترین موضوعاتی که با آن در زندگی روزمره سر و کار داریم استرس ها، فشار های عصبی، تعارضات و ناکامی هایی است که همه، از جمله دانشجویان با آن درگیر هستند. همه افراد بشر مشکلاتی دارند و این مشکلات در نتیجه تعارضات و ناکامی هایی است که بر سر راه امیال و آرزوهای آنها قرار می گیرد. به عبارت دیگر ریشه ی اکثر مسائل انسان، محرومیت و رنج های حاصل از آن است و اغلب، برای افراد انسان دشوار و یا حتی غیر ممکن است که مستقیماً به مشکلی حمله بیاورند و آن را از بین ببرند. به این دلیل بشر برای کاستن از اضطراب ناشی از محرومیت و ناکامی مجبور است دست به رفتارهایی موسوم به رفتارهای جبرانی یا سازشی بزند. رفتارهای سازشی از لحاظ مقدار متفاوتند و برخی از افراد در استفاده از آنها راه افراط در پیش می گیرند. مکانیسم های دفاعی در مواقع شکست و ناکامی به دفاع از « من^۱ » می شتابند تا من به طور ناخود آگاه بقای خود را حفظ کند. در حقیقت مکانیسم های دفاعی، فرایندهای تنظیم کننده خودکاری هستند که برای کاهش ناهماهنگی شناختی و به حداقل رساندن تغییرات ناگهانی در واقعیت درونی و بیرونی از طریق تأثیرگذاری بر چگونگی ادارک حوادث تهدیدکننده وارد عمل می شوند (وایلنت^۲، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴). مکانیسم های دفاعی که مسئولیت محافظت از ایگو را در مواجهه با شکل های مختلف اضطراب بر عهده دارند، برحسب نوع کنش وری ممکن است بهنجار یا نابهنجار و کارآمد یا ناکارآمد باشند (بشارت، شریفی و ایروانی، ۱۳۸۰). اندروز^۳ سینگ^۴ و بوند^۵ (۱۹۹۳) بر اساس طبقه بندی سلسله مراتبی مکانیسم های دفاعی وایلنت (۱۹۷۶، ۱۹۷۱) ۲۰ مکانیسم را به سه سبک دفاعی رشدیافته^۶، روان رنجور^۷ و رشدنیافته^۸ تقسیم کردند. مکانیسم های دفاعی رشدیافته شیوه های مواجهه انطباقی، بهنجار و کارآمد هستند. مکانیسم های دفاعی روان آزرده و رشدنیافته، شیوه های مواجهه غیرانطباقی و ناکارآمد هستند. به نظر می رسد برحسب نوع سبک دلبستگی، فرد به استفاده از مکانیسم دفاعی خاصی گرایش پیدا

^۱ - Ego

^۲ - Vaillant

^۳ - Andrews

^۴ - Singh

^۵ - Bond

^۶ - Mature

^۷ - Neurotic

^۸ - Immature

می کند. پژوهش های گذشته این موضوع را روشن کرده اند که سبک های دلبستگی، بر شکل گیری و رشد توانمندی های مرتبط با مکانیسم های دفاعی، از کودکی تاثیرگذارند (بشارت، شریفی و ایروانی، ۱۳۸۰؛ فینی^۱ و کیرک پاتریک^۲، ۱۹۹۶). بالبی^۳ اولین کسی بود که فرایند شکل گیری دلبستگی نوزاد به مادر را تشریح کرد و نشان داد که چگونه سیستم احساسات و رفتارهای دلبستگی، نوزاد را به مادر نزدیک و از خطر دور می سازد، و جدایی از نگاره دلبستگی (مادر) اضطراب و درماندگی کودک را در پی خواهد داشت. بر این اساس سبک دلبستگی محصول تجربه های واقعی فرد در مورد حساسیت، پاسخگو بودن و حضور فعال و منظم نگاره دلبستگی (مادر) در خلال سالهای نوزادی، کودکی و نوجوانی می باشد (بشارت و همکاران، ۱۳۸۰). استمرار سبک دلبستگی در فرایند تحول، موضوع تحقیقات جدید در این زمینه بوده و نتایج به دست آمده این استمرار را تایید می کنند (مین^۴، کاپلن^۵ و کسیدی^۶، ۱۹۸۵). در چارچوب روابط بزرگسالی، اکثر محققان (بالبی، ۱۹۸۲؛ راتر^۷، ۱۹۸۱؛ ویس^۸، ۱۹۸۲) بر اهمیت دلبستگی به منزله یکی از جنبه های ارتباطی، و بر استمرار تحولی آن اتفاق نظر دارند. سبک دلبستگی روشهای مواجهه فرد با موقعیتهای تنیدگی را هم متاثر می سازد (سروف^۹ و واترز^{۱۰}، ۱۹۷۷؛ کوبک^{۱۱} و سیری^{۱۲}، ۱۹۸۸). افراد ایمن ایمن ضمن تصدیق موقعیت به سادگی از دیگران کمک می گیرند، اجتنابگرها در تصدیق موقعیت و جستجوی کمک و حمایت با مشکل مواجه می شوند، و ویژگی برجسته دوسوگراها حساسیت بیش از حد نسبت به عواطف منفی و نگاره های دلبستگی است به گونه ای که سد راه خودمختاری آنها می شود (کوبک و سیری، ۱۹۸۸). در حالی که کاهش اضطراب یکی از کنش های سبک دلبستگی ایمن می باشد، سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، تنیدگی و نگرانی فزاینده ای را بر فرد تحمیل می کنند. و وی را به استفاده از شیوه های ناکارآمد وادار می سازند (فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۶).

مکانیسم های دفاعی با توجه به نقشی که در محافظت در مقابل اضطراب بازی می کنند و به دلیل این که جزء راهبردهای دفاع هیجان مدار تعریف می شوند، برای فهم بسیاری از نظریه های شخصیت ضروری هستند. شواهد حاکی از آن است که دفاع ها راه منحصر به فردی برای توصیف و فهم شخصیت ارائه می

^۱- Feeny

^۲- Kirkpatrick

^۳- Bowlby

^۴- Main

^۵- Kaplan

^۶- Cassidy

^۷- Rutter

^۸- Weiss

^۹- Sroufe

^{۱۰}- Waters

^{۱۱}- Koback

^{۱۲}- Screey

دهند (دیویدسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). بنابراین در بررسی ارتباط بین مکانیسم های دفاعی و شخصیت در میان تبیین های بسیار، بررسی بعد زیستی-عصبی شخصیت که زیربنای هیجان و رفتار است، اهمیت خاص دارد. از این رو تبیین گری (ویلسون، برت و گری^۲، ۱۹۸۹) از شخصیت که مبنای هیجانی روشنی دارد و ساختارهای زیستی-عصبی شخصیت را آشکار ساخته، مورد توجه قرار گرفته است. گری (۱۹۸۱)، با مبتنی بر کنش های مغزی به نظریه پرداززی در زمینه شخصیت پرداخته است. او برای اولین بار به تشریح دو سیستم مغزی جداگانه می پردازد که به اعتقاد او به همانندی های محیطی به پاداش و تنبیه حساس هستند عبارتند از: ۱- سیستم فعال سازی رفتاری^۳ (BAS) ۲- سیستم بازداری رفتاری^۴ (BIS) می باشد. بر طبق نظریه گری، گری، سیستم فعال سازی رفتاری به عنوان برانگیزاننده رفتاری در حیوانات و انسان برای دستیابی به خواهش ها و پاداش ها عمل می کند. فعالیت بیش از حد این سیستم به رفتار تکانشی می انجامد و فرد کارهایی را انجام می دهد که احتمالاً به دریافت پاداش منجر می شود بدون آنکه توجه زیادی به احتمال پیامدهای منفی داشته باشد.

گری (۱۹۸۱) سیستم بازداری رفتاری را به عنوان فرایندی جهت اعلام خطر به احتمال تنبیه و پیامدهای ناخوشایند ناشی از انجام کاری عمل می کند، معرفی می نماید، بنابراین این سیستم فرد را از هدف جویی باز می دارد. فعالیت در سیستم بازداری رفتاری به احساس اضطراب، نگرانی، نشخوار فکری و ترس می انجامد و فرد را متوجه نشانه های می کند که هشدار دهنده خطر است.

۱-۲- بیان مسئله

داشتن امنیت روانی برای افراد جامعه و بخصوص قشر دانشجو که آینده سازان کشور هستند موضوع مهمی است که باید به آن اهتمام ویژه نشان داد. سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی در روانشناسی از مباحثی هستند که عمده تمرکزشان بر مشکلات عاطفی و رفتاری است. در کنار این دو موضوع که بیشتر به نوع تربیت در کودکی وابسته اند، نباید از ژنتیک و بخصوص سیستم های مغزی-رفتاری غافل شد.

فریود اصطلاح مکانیسم های دفاعی را به آن دسته از تدابیر ناهشیار اطلاق می کند که آدمی برای حل و فصل هیجان های منفی به کار می برد. این تدابیر هیجان مدار موقعیت تنش زا را تغییر نمی دهد بلکه فقط شیوه های دریافت یا اندیشیدن شخص را به آن عوض می کند. به این ترتیب در همه مکانیزم های دفاعی، عنصر خودفریبی در کار است. ما آدمیان، همگی، گاه مکانیزم های دفاعی را به کار می بریم و با کمک

^۱- Davidson

^۲- Wilson & Barret & Gray

^۳-Behavioral Activation System

^۴-Behavioral Inhibition System

مکانیزم های دفاعی دشوار را از شدت می اندازیم تا اینکه بتوانیم به صورتی مستقیم تر آن موقعیت تنش زا را حل و فصل کنیم. کاربرد مکانیسم های دفاعی فقط در صورتی حاکی از ناسازگاری است که راه و رسم عمده ی پاسخ دهی در برابر سختی ها و دشواری ها بشود (اتکینسون، اسمیت، بام و نولن^۱، ۱۳۸۵). اضطراب حالتی است دردناک که تحمل آن برای مدت طولانی ناممکن است. انسان به طور ناهشیار روش هایی برای تحریف واقعیت پیدا کرده است، یعنی احساسات خود را از حیطة هشیاری دور نگه می دارد تا مضطرب نشود. افراد از مکانیزم های دفاعی علیه اضطراب استفاده می کنند. فرض روان کاوان بر این است که اگر چه مکانیزم های دفاعی در کاهش اضطراب مفیدند، ولی از این نظر که فرد را از واقعیت دور می کنند، ناسازگارانه تلقی می شوند. امروزه به مدد آنچه که آنا فروید در گستره روانشناسی « من » پدید آورد مفهوم مکانیسم های دفاعی تنها به نابهنجاری تعلق ندارد و آنها بخشی از الگوهای ارتباطی و تحول شناختی بهنجار محسوب می گردند، الگوهایی که در برقراری روابط با افراد مهم زندگی رخ می نمایند، از حرمت نفس فرد حفاظت می کنند و در سازش یافتگی او نقش می آفرینند و گاه فقدان آنها در لحظه مناسب توان فرد را می کاهد و سازش او را برهم می زند. روش های ارزیابی مکانیسم های دفاعی با در نظر داشتن باور بنیادین فروید یعنی ناهشیار بودن مکانیسم های و با الهام از آنا فروید و ویلهلم رایش در مورد رابطه عادات رفتاری و مکانیسم های دفاعی رو به تحول گذارد. مکانیسم های دفاعی گرچه لنگرگاهی ناهشیارانه دارند، اما پس از به کارگیری تمایل دارند تا همچنان تکرار شوند و گرچه فرد از علت این تکرار در وجود خویش بی خبر است، اما با تأمل درمی یابد که فلان عادت رفتاری و یا خوی شخصیتی را داراست، عادت که ریشه در این دفاع های ناهشیار دارد (حیدری نسب، منصور، آزادفلاح، شعیری، ۱۳۸۶).

مکانیسم های دفاعی به دلیل اهمیت ویژه ای که در مفهوم پردازش اختلالهای روانی و درمان آنها از دیدگاه روان پویشی دارند، مورد توجه بالینی و پژوهشی خاصی قرار گرفته اند (کرامر^۲، ۲۰۰۰). در نظام روان تحلیل گری هر اختلال روانی با مکانیسم های دفاعی غیرانطباقی مشخصی همراه است و دفاع ها نقش مهمی در سلامت روانی افراد ایفا می کنند. با مطرح شدن مکانیسم های دفاعی در ادبیات پژوهشی، تقسیم بندی های متفاوت و متعددی برای آنها ارائه شده است. اندروز^۳، سینگ^۴ و بوند^۵ (۱۹۹۳) بر اساس طبقه بندی سلسله مراتبی مکانیسم های دفاعی وایلنت^۶ (۱۹۷۱، ۱۹۷۶) به نقل از اندروز، سینگ و بوند، (۱۹۹۳) ۲۰ مکانیسم را به سه سبک دفاعی رشدیافته^۷، روان رنجور^۸ و رشدنیافته^۹ تقسیم کردند. مکانیسم های دفاعی رشدیافته

^۱- Atkinson, Smith, Bam & Nolan

^۲-Cramer

^۳- Andrews

^۴- Singh

^۵- Bond

^۶- Vaillant

^۷- Mature

^۸- Neurotic

^۹- Immature

شیوه های مواجهه انطباقی، بهنجار و کارآمد هستند. مکانیسم های دفاعی روان آزوده و رشدنیافته، شیوه های مواجهه غیرانطباقی و ناکارآمد هستند (بشارت و همکاران، ۱۳۸۰). مکانیسم های دفاعی از مهارت های مقابله ای، متفاوتند. مهارت های مقابله ای، نیاز به آگاهی و هشیاری جهت مدیریت و حل تعارض دارد. درحالی که مکانیسم های دفاعی، بدون هشیاری و آگاهی فرد می تواند در واقعیت، تحریف به وجود آورد (زوکالی^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

این مکانیسم ها هرچه باشند، برحسب نوع سبک های دلبستگی بر روش های مواجهه فرد با موقعیت های استرس زا تاثیرگذارند درحالیکه کاهش اضطراب یکی از کنش های سبک دلبستگی ایمن است، سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، استرس و نگرانی فزاینده ای بر فرد تحمیل می کند و وی را به استفاده از شیوه های دفاعی ناکارآمد وادار می سازد (بشارت و همکاران، ۱۳۸۰؛ فینی^۲ و کیرک پاتریک^۳، ۱۹۹۶).

اساسا افراد در پیوندهای عاطفی خود، الگوهای متفاوتی دارند و سبک در پیوندهای عاطفی یا سبک دلبستگی از همان دوران کودکی در رابطه بین مادر-کودک شکل می گیرد و تا بزرگسالی گستره ی زندگی وی را از لحاظ روانی-اجتماعی پوشش می دهد. با توجه نوع رابطه مادر و کودک تفاوت در نوع دلبستگی مشخص کننده ی ارتباط با آسیب شناسی است (میکولینسر^۴، شیور^۵، ۲۰۰۷). در پی رویکرد بالبی، آینزورث، آینزورث، بلهار، واترز و وال^۶ (۱۹۷۸ به نقل از ساعدی، ۱۳۸۲) سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا دوسوگرا را در کودک توصیف کردند. این سبک ها بعدها در بزرگسالان نیز تایید شد (هازان^۷ و شیور، ۱۹۸۷). دلبستگی ایمن: از نظر آینزورث، امنیت دلبستگی، وجود تعامل بین رفتارهای دلبستگی و اکتشاف محیط است. کودکان ایمن از والدین به عنوان پایگاه امنی برای اکتشاف محیط استفاده می کنند. کودکان ایمن در اکثر موقعیت ها احساس راحتی و امنیت دارند. به مادر خود نمی چسبند، بلکه هنگامی که با مادر هستند با کنجکاو ی درصدد اکتشاف محیط های ناآشنا و دستکاری اشیا برمی آیند.

دلبستگی دوسوگرا: این کودکان در روش آزمایشگاهی موقعیت ناآشنا مشکل تر می توانند به احساس آرامش دست یابند. آن ها بین کشش به سوی مادر و یا یک موضوع (شیء) جالب دیگر در نوسانند. اما به محض نزدیک شدن به آن شیء به راحتی و آزادی کودکان ایمن به اکتشاف و دستکاری آن نمی پردازند. این کودکان نسبت به کودکان ایمن، در مقابل غریبه ها محتاط ترند و وقتی مادر اتاق را ترک می کند (در روش موقعیت ناآشنا) منقلب تر می شوند. اما در مرحله بازدیدار با مادر، پاسخ های دوسوگرانه نسبت به او نشان

^۱- Zoccali

^۲- Feeny

^۳- Mikulincer

^۴- Shaver

^۵- Hazan

^۶- Bowlby & Ainsworth & Blehar & Waters & Wall

^۷- Kirkpatrick

می دهند. بدین ترتیب که ابتدا به مادر نزدیک می شوند و سپس او را پس می زنند. این کودکان از لحاظ خلقی در برابر تنیدگی ها آسیب پذیرتر هستند و مهارت های مقابله ای محدودتری دارند.

سبک دلبستگی اجتنابی: کودکان اجتنابی قبل از جلسه جدایی (در روش آزمایشگاهی موقعیت ناآشنا) بدون هیچ درگیری و یا درگیری بسیار اندک با والدین، به اکتشاف محیط می پردازند. اگر با والدین وارد تعامل شوند، گفتگوی آنها بیشتر در مورد اسباب بازی ها و سایر موضوع های غیرشخصی است. اکثر کودکان اجتنابی در برابر افراد ناآشنا منقلب نمی شوند، احتیاط نمی کنند یا احتیاط اندکی نشان می دهند. بعد از آنکه مادر اتاق را ترک کرد، آنها به اشکال مختلف به بازی خود ادامه می دهند و یا آرام و ساکت از بازی دست می کشند و منتظر مادر خود می مانند و در جلسه بازدیدار، از نزدیک شدن به مادر اجتناب می کنند. یکی از ویژگی های اساسی کودکان اجتنابی انکار اهمیت روابط دلبستگی با مادر است. بر طبق نظر بالبی و آیزورث اجتناب، کنش ممانعت از پردازش اطلاعات را موجب می شود. این کنش، رفتار دلبستگی را هدف قرار می دهد و بنابراین یک مکانیسم دفاعی محسوب می شود. انکار اهمیت ارتباط با مادر نمونه ای از ممانعت از پردازش اطلاعات مربوط به دلبستگی و بیرون راندن برون شدهایی است که می توانند رفتار دلبستگی را برانگیزانند. برخی از کودکان اجتنابی به آرمانی سازی ((خود)) و چهره دلبستگی می پردازند. دلیل این آرمانی سازی آن است که هریک از کودکان اجتنابی به گونه ای طردشدگی را از سوی چهره دلبستگی تجربه کرده اند. پس تایید هر نقص و عیبی در والدین ممکن است به طرد بعدی منجر گردد و در نتیجه با انکار آن می توانند خود را از خطر طرد بیشتر از سوی والدین مصون نگه دارند (جانسون^۱، ۲۰۰۳). پاسخگویی و دسترس پذیری مادر، پایگاهی امن برای کودک فراهم می سازد که بنابر آن تجربه ها سازماندهی می شود و با درماندگی ها مقابله می گردد. بنابراین کیفیت دسترس پذیری چهره دلبستگی (مادر)، یکی از منابع بنیادی گونه گونی راهبردهای تنظیم عواطف به شمار می رود. برطبق نظر بالبی یکی مدل فعال درونی عمدتاً حاصل الگوهای تعاملی کودک با مادر (یا سایر نمادهای دلبستگی) است (بریترتون^۲ و همکاران، ۱۹۹۹). از نظر بالبی الگوهای عملی انسان تحت تاثیر تجارب مکرر روزانه کودک با چهره های دلبستگی ساخته می شوند. بنابراین تجسمات چهره دلبستگی در ابتدای دوران کودکی شکل می گیرند. در واقع الگوهای عملی از دیگران، تصوراتی است که کودک از ماهیت، خصوصیات و رفتارهای مورد انتظار اطرافیان و دنیا ساخته است. به وسیله این الگوها فرد وقایع محیط اطراف خود را درک کرده و آنها را ارزیابی می کند، آینده را پیش بینی می کند، برنامه ها و طرح هایی می سازد و انتظارات خود را از پاسخ ها و رفتار اطرافیان شکل می دهد. این الگوها به فرد اجازه می دهند که به تفسیر و پیش بینی رفتار دلبستگی جفت خود (چهره دلبستگی) پرداخته، پاسخ های آینده او را پیش بینی کرده و آنها در جهت یک برنامه ریزی فوری جهت واکنش به آن پاسخ ها استفاده کند (مین^۳، کاپلن^۴ و کسیدی^۱، ۱۹۸۵ به نقل از ساعدی، ۱۳۸۲).

^۱ - Johnson

^۲ - Bretherton

^۳ - Main

^۴ - Kaplan

۱۳۸۲). به تدریج که الگوهای عملی درونی کودک در طی تجاربش با مادر محکم و یکپارچه می گردد، نظارت رفتاری واقعی از مادر کمتر ضرورت می یابد و کودک قادر می گردد جدایی از مادر را تحمل کرده و در جلسات بازدیدار به نحو مطلوب و مناسبی واکنش نشان دهد. بنابراین الگوهای عملی درونی نسبتاً با ثبات هستند اما به تدریج امروزی سازی می شوند (فوگل^۲، ۱۹۹۷).

به نظر می رسد برحسب فعالیت سیستم های مغزی، فرد به استفاده از مکانیسم های خاصی گرایش بیشتری دارد. نظریه گری به عنوان یکی از کوششهایی که ساختارهای زیستی زیربنایی شخصیت را مورد توجه قرار می دهد شناخته می شود. گری در قالب نظریه سیستم های مغزی/رفتاری بر وجود ارتباط بین ابعاد شخصیتی و فرایندهای مغزی توجه دارد و جهت تبیین تفاوت های فردی به نقش عوامل زیستی-عصبی اشاره می کند و در این راستا سیستم های مغزی/رفتاری، فعالیت، چگونگی استقرار و غلبه آنها را در افراد به عنوان عامل ایجادکننده تفاوت های فردی در توجه و انتخاب محرک ها و بروز رفتار در آنها می داند. گری اعتقاد دارد که ساختارهای مختلف مغز، سه سیستم انگیزش اساسی را راه اندازی می کنند که در تعامل با تقویت رفتاری هستند. نخستین سیستم سیستم فعال ساز رفتاری (BAS) است (گری، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۴). این سیستم توسط محرک های خوشایند مرتبط با پاداش یا حذف تنبیه فعال می شود که به لحاظ ساختاری شامل چندین مسیر دوپامینرژیک و مدارهای کورتیکو-استریاتو وپالیدو تالامیک در مغز است (فاولس^۳، ۱۹۸۰). در قشر پره فرونتال، آمیگدال و هسته های قاعده ای قرار دارد (هویگ، هاگمان، سیفرت، نیومن و بارتوسک^۴، ۲۰۰۶). دو مؤلفه ی رفتاری این سیستم شامل روی آوردن (جستجوی فعالانه پاداش) و اجتناب فعال (ارائه ی رفتارهای خاص برای اجتناب از تنبیه) می باشند (گری و مک ناتون^۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۰). گری معتقد بود حساسیت این سیستم نمایانگر تکانشوری فرد است اما مطالعات اخیر نشان می دهند که برون گرایی با پیامدهای کارکردی BAS همخوانی بیشتری دارد (کر^۶، ۲۰۰۸؛ دپیو و کالینز^۷، ۱۹۹۹؛ اسملی، پیکرینگ و جکسون^۸، ۲۰۰۶).

دومین سیستم، سیستم بازداری رفتاری است (BIS) که فعالیت زیاد آن با احساس اضطراب و نگرانی مطابقت دارد (کر، ۲۰۰۲). نورواناتومی سیستم تنبیه رفتاری در نظام جداری هیپوکامپی، ساقه مغز، مدار پایز و کرتکس حدقه ای پیشانی قرار دارد (هویگ و همکاران، ۲۰۰۶). دو مؤلفه ی این سیستم، اجتناب منفعل، (اجتناب از تنبیه واز طریق عدم فعالیت یا تسلیم) و خاموشی (متوقف شدن رفتارهایی که پاداشی در

^۱- Cassidy

^۲- Fogel

^۳-Fowles

^۴- Hewig, Hagemann, Seifert, Naumann&Bartussek

^۵- McNaughton

^۶- Corr

^۷- Depue& Collins

^۸- Smillie, Pickering & Jackson

پی ندارد) است (ویلسون، گری و برت، ۱۹۹۰).

سومین سیستم، که با عنوان سیستم جنگ/گریز (FFS) شناخته می‌شود، از لحاظ ساختاری بیشتر از طریق آمیگدال و ساخت‌های هیپوتالاموسی تعدیل می‌گردد. مولفه‌های این سیستم کوشش‌های مربوط به مقاومت-جنگ و فرار یا گریز است. حساسیت و فعالیت زیاد این سیستم با روان‌گسسته‌گرائی ارتباط دارد (کر، پیکرینگ و گری، ۱۹۹۵؛ کر، ۲۰۰۴).

با توجه به مطالب گفته شده پژوهش حاضر قصد دارد به این سوال جواب دهد که چه رابطه‌ای بین سبک‌های دلبستگی و سیستم‌های مغزی رفتاری با مکانیسم‌های دفاعی وجود دارد؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

مکانیسم‌های دفاعی به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در مفهوم پردازش اختلال‌های روانی و درمان آنها از دیدگاه روان‌پویشی دارند مورد توجه بالینی و پژوهشی خاصی قرار گرفته‌اند (کرامر^۱، ۲۰۰۰). براساس طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی ویلنت (۱۹۷۱، ۱۹۷۶) به نقل از اندروز؛ سینگ و بوند، ۱۹۹۳) در مورد مکانیسم‌های دفاعی، در این زمینه اندروز و همکاران (۱۹۹۳)، ۲۰ مکانیسم دفاعی را بر حسب سه سبک دفاعی رشدیافته، روان‌آزرده و رشد نیافته متمایز کردند. مکانیسم‌های دفاعی که مسئولیت محافظت از ایگو را در مواجهه با شکل‌های مختلف اضطراب برعهده دارند (بشارت و همکاران، ۱۳۸۰)، بر حسب نوع کنش‌وری ممکن است بهنجار یا نابهنجار و کارآمد یا ناکارآمد باشند. مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته به منزله شیوه‌های مواجهه انطباقی، بهنجار و کارآمد محسوب می‌شوند. مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده و رشد نیافته، شیوه‌های مواجهه غیرانطباقی و ناکارآمد هستند. مشخصه‌های سبک‌های دلبستگی که در چارچوب رابطه کودک-مادر استقرار می‌یابند، تعیین‌کننده ماهیت تصورات و تجربه‌های فرد از پیوندهای عاطفی و روابط بین شخصی هستند. با توجه به نظر بالبی و الگوی تحولی پیدایش مکانیسم‌های دفاعی می‌توان نتیجه گرفت که یک دوره بحرانی برای کودکان وجود دارد. یعنی کودکانی که تا سن معینی از تعامل انسانی کافی برخوردار نباشند ممکن است هرگز به رفتار اجتماعی مناسبی دست نیابند. نتیجه چنین فرایندی شکل‌گیری شخصیت بی‌عاطفه یعنی فردی است که دیگر نسبت به هیچ‌کس عمیقاً علاقه‌مند نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نظام روانی مرکب از تعداد قابل ملاحظه‌ای از نظام‌های کنترل پیچیده و یا به عبارتی دیگر مکانیسم‌های دفاعی است که با انعطاف به یکدیگر وابسته‌اند و دائماً در حال تعامل‌اند. این مکانیسم‌های دفاعی نقش تصفیه محرک‌ها را به عهده دارند که خود دارای یک نقش سازشی است تا از اضطراب بیش از حد فرد جلوگیری به عمل آورد (منصور و دادستان، ۱۳۸۰). در بررسی ارتباط بین مکانیسم‌های دفاعی و شخصیت در میان تبیین‌های بسیار، بررسی بعد زیستی-عصبی شخصیت که زیر بنای هیجان و

^۱- Cramer

رفتار است، اهمیت خاص دارد. از این رو تبیین گری (ویلسون^۱، گری وبارت^۲، ۱۹۹۰) از شخصیت که مبنای هیجانی روشنی دارد و ساختارهای زیستی-عصبی شخصیت را آشکار ساخته، مورد توجه قرار گرفته است.

عطف به مطالب فوق و با توجه به اهمیتی که وجود دانشجویان سالم برای جامعه دارند و با توجه به اینکه تا به حال تحقیقی در زمینه بررسی سیستم های مغزی-رفتاری و سبک های دلبستگی با مکانیسم های دفاعی انجام نگرفته است، محقق تصمیم به بررسی رابطه این سه متغیر گرفته است. از این رو اهمیت نظری پژوهش حاضر توسعه ی مرزهای دانش و منظر جدیدی به فهم مکانیسم های دفاعی می باشد. همچنین اهمیت علمی و کاربردی این پژوهش توجه به متغیرهای مرتبط از یک سو و کمک در جهت کاهش آسیب های ناشی از استفاده نابجا از مکانیسم های دفاعی است. شایان ذکر است نتایج پژوهش حاضر می تواند کاربرد فراوانی برای روانشناسان بالینی، مشاورین و روان درمانگران در برطرف کردن مشکلات عاطفی، رفتاری مراجعین داشته باشد.

۱-۴- اهداف پژوهش

۱-۴-۱- هدف اصلی

بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی رفتاری با مکانیسم های دفاعی در بین دانشجویان دانشگاه ارومیه در نیمسال تحصیلی ۹۳-۹۴

۱-۴-۲- اهداف فرعی

- ۱- تعیین رابطه بین سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی
- ۲- تعیین رابطه بین سیستم های مغزی رفتاری و مکانیسم های دفاعی
- ۳- تعیین رابطه بین سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی رفتاری
- ۴- تعیین الگوی روابط سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی رفتاری با مکانیسم های دفاعی

۱-۵- فرضیه های پژوهش

- ۱- بین سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سیستم های مغزی رفتاری و مکانیسم های دفاعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی رفتاری رابطه وجود دارد.

^۱- Wilson

^۲- Barrett

۴- سبک های دلبستگی و سیستم های مغزی رفتاری قادر به پیش بینی مکانیسم های دفاعی هستند.

۱-۶- تعاریف مفهومی

۱-۶-۱- مکانیسم های دفاعی

اضطراب یک احساس نامطبوع است و همانند تمام احساس ها و تجارب نامطبوع، خود^۱ سعی می کند از آنها دوری و یا فرار کند. برای انجام این کار، خود تلاش می کند با توسل به یک و یا چند راهبرد، اضطراب را کاهش دهد و در واقع عامل ترس و تهدید را که اضطراب علامت و نشانه آن است را از بین ببرد. این برنامه های درازمدت را مکانیسم های دفاعی می نامند (راس^۲، ۱۳۸۶، ص ۸۱).

۱-۶-۲- سیستم های مغزی- رفتاری

گری (۱۹۸۱؛ ص. ۲۴۶-۲۷۶) سیستم های مغزی- رفتاری را به عنوان دو سیستم مغزی جداگانه، که به همانندی های محیطی مربوط به پاداش و تنبیه، حساس هستند، معرفی می نماید. سیستم فعال سازی رفتاری به عنوان برانگیزاننده رفتاری در حیوانات و انسان برای دستیابی به خواهش ها و پاداش ها، عمل می کند. فعالیت بیش از حد این سیستم به رفتار تکانشی می انجامد و فرد کارهای انجام می دهد که احتمالاً به دریافت پاداش منجر می شود، بدون آنکه توجه زیادی به احتمال پیامد های منفی داشته باشد. در نظریه گری، سیستم فعال سازی رفتاری مسئول کنترل هیجانهای مثبت است. بنابراین انتظار این است افراد دارای سیستم فعال سازی رفتاری هیجانهایی مانند خوشحالی و نیز تکانشوری در رفتار را تجربه کنند. سیستم فعال سازی رفتاری که توسط محرک های خوشایند مرتبط با پاداش یا حذف تنبیه فعال می شود، عبارتند از: روی آوردن، جستجوی فعالانه پاداش و اجتناب از تنبیه می باشد. این سیستم دلیل بنیادی صفت زود انگیزتگی است و با برون گرایی و تحریک طلبی مرتبط است. سیستم فعال سازی رفتاری به عنوان یک سیستم انگیزشی ترغیب کننده، موجب برانگیختن رفتار در پاسخ به محرک های پاداش می گردد و فعالیت آن در افزایش ضربان قلب منعکس می شود. سیستم بازداری رفتاری را به عنوان فرایندی جهت اعلام خطر به احتمال تنبیه و پیامدهای ناخوشایند ناشی از انجام کاری عمل می می کند؛ معرفی می نمایند. بنابراین این سیستم فرد را از هدف جویی باز می دارد. فعالیت در سیستم بازداری رفتاری به احساس های اضطراب، نگرانی، نشخوار فکری و ترس می انجامد و فرد را متوجه نشانه های می کند که هشدار دهنده خطر است. سیستم بازداری رفتاری به نشانه های شرطی تنبیه، حذف پاداش و محرک های بدیع و تازه، حساس است که در پاسخ به تنبیه و نشانه های ناکامی بدون پاداش فعال می شود.

۱-۶-۳- سبک های دلبستگی

اصطلاح سیستم دلبستگی به سیستمی تنظیم کننده اطلاق می شود و فرض بر این است که این سیستم در درون فرد وجود دارد و هدف آن تنظیم رفتارهایی است که موجب نزدیک شدن و برقراری تماس

۱- ego

۲- ross

با فردی است متمایز و حامی که تکیه گاه نامیده می شود. البته، هدف این سیستم در فرد وابسته، از لحاظ روانی معطوف به ایجاد احساس امنیت است (ماسن^۱، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹).

۱-۷- تعاریف عملیاتی

۱-۷-۱- مکانیسم های دفاعی

در این پژوهش مکانیسم های دفاعی از طریق آزمون پرسشنامه سبک های دفاعی اندروز، سینگ و بوند (DSQ) اندازه گیری می شود.

۱-۷-۲- سیستم های مغزی- رفتاری

در پژوهش حاضر سیستم های مغزی رفتاری بر اساس نمره ای که از پرسشنامه سیستم های بازداری و فعال ساز رفتاری کارور^۲ و وایت^۳ به دست می آید، مشخص می شود.

۱-۷-۳- دل بستگی

در پژوهش حاضر دل بستگی از طریق پرسشنامه دل بستگی هازان و شیور اندازه گیری می شود.

۱- mussen

۲- Carver

۳- White